

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ماریو سوزا
برگردان از: پیام پرتوی
فرستنده: فرید پرواز
۲۲ نومبر ۲۰۱۴

آیا نئولیبرالیسم و نازیسم هم خانواده اند؟

مشترک میان آلدولف هیتلر و پر آلمارک ۱ نفرت مشتعلیست از کمونیسم و هر آنچه که جنبش کارگری انقلابی از آن حمایت می نماید. این سؤال بسیار مهم، تشابهات میان لیبرالیسم و نازیسم، تحریکات ضد کمونیستی، عنوان جلسه ای بود در وکفو،^۲ جایی که من در آن شرکت کردم.

سازمان دهندگان نشست سؤال تحریک آمیز، هم خانواده بودن کمونیسم و نازیسم را که شل آلبین آبراهامسون-ه روزنامه نگار برای گوردرون شیمان،^۳ مطرح نموده بود، به گونه دیگری، تشابهات میان لیبرالیسم و نازیسم، مطرح نمودند.

در این زمینه رفقای شهر وکفو کاملاً حق داشتند! وجه مشترک رو به افزایش میان نئولیبرالیسم با نازیسم و فاشیسم بسیار مشخص و برجسته اند! نازیسم در زمان خود به منظور حفظ نظم نظام سرمایه داری آلمان می جنگید و مهمترین هدفش مقابله با مبارزه طبقه کارگر برای ایجاد جهانی آزاد بود.

حزب نازیها برای دستیابی به این هدف، که شرط اصلی تحویل قدرت به هیتلر و دیکتاتور نازیستی بود، حمایت مالی تقریباً نامحدودی را از سرمایه های بزرگ آلمانی دریافت نمودند. در حال حاضر این نئولیبرالیسم است که در سراسر جهان انجام مأموریتهای فاشیستیها را بر عهده گرفته است.

نئولیبرالیسم با اتخاذ گستاخانه ترین و خشونتبارترین روشها در تلاش است که طبقه کارگر جهان را مطیع خود نموده و آنان را به سپردن سرنوشت خویش به دست جامعه ای بدون حقوق و امنیت اجتماعی اقتصادی، با شرایط هر چه وخیمتره زندگی، متقاعد نماید – برای بخش بزرگی از جمعیت جهان موجودیتی در فقر خالص.

هدف نئولیبرالیسم ناگزیر نمودن زحمتکشان سراسر جهان به قبول آینده ایست که در آن نابرابریها به صورت نظمی بر همه جا حاکم و اختلاف طبقاتی میان فقراء و ثروتمندان به صورتی پیوسته افزایش یابد. نئولیبرالیسم فاشیسم دهه های ۲۰۰۰ است.

حمله به عدالتخواهان

برای نئولیبرالیسم افزایش پیوسته ثروت ثروتمندان و امتیازاتشان امریست بدیهی. آنها به کلیه حامیان تقسیم عادلانه منابع جهان و به خصوص کمونیستها، حمله می کنند و در اینجاست که فردی مانند شل آلبین آبراهامسون برای

لیبرالها مفید واقع می شود. تحریکات او علیه سوسیالیسم بخشی از مبارزه نئولیبرالها علیه یک نظم جهانی عادلانه است.

شکلک دیگری که از دهه ۲۰۰۰ به خدمت فاشیسم در آمده، پر آمارک، رهبر ناموفق حزب مردم، و یک معاون ناموفق نخست وزیر، پس از آن شاعری ناموفق، است که در حال حاضر خود را در روزنامه Dagens Nyheter «اخبار روز» به عنوان یک «مقاله نویس مستقل» مطرح می نماید.

آمارک در آغاز دسمبر در کاغذ پاره سرمایه داری می نویسد که پس از ۱۹۶۸ و با موفقیت مارکسیستها، شرایط برای «درک هر چه گسترده تر ایده هائی که به نازیسم نزدیک است فراهم آمد». نوکران سرمایه برای مبارزه با کمونیسم آماده به بهره برداری از هر گونه ترفندی اند. حتی این که بگویند که این هجوم ایده های ۱۹۶۸ کمونیستی بود که راه را برای حمایت از نازیها هموار نمود!

حملات آمارک و آبراهامسون به کمونیستها نشان دهنده نیاز سرمایه داران به منحرف نمودن کانون توجهات از بحرانهای جاری اجتماعی و اقتصادی است که سرمایه داری خود موجد آن بوده است. آنها به خوبی آگاهند که این سیاستهای نئولیبرالهای دست راستی است که وقوع امواج تمایلات نژاد پرستانه را عامل گشته، سیاستهایی که خود زمینه ساز رشد نازیهاست.

آنها برای گفت و گو با کمونیستها در مورد تکامل جامعه فاقد شهامت اند و در عوض به لجن پراکنی دست می یازند! هدف ایجاد رعب، وحشت و مانع به منظور بی علاقه نمودن مردم به سوسیالیسم و بر حذر نمودن آنان در ایجاد ارتباط با کمونیستهاست.

بی تمایل به بررسی سرمایه داری

همزمان مدافعان سرمایه داری در هر اسناد که افکار عمومی - برانگیخته شده و به پاخاسته فعلی علیه نازیسم شرایط را برای بررسی اقدامات بورژوازی در قدرت هموار و آشکار سازنده مواضع سیاسی آنان در خلال دهه های ۱۹۳۰ - و ۴۰ گردد.

در آلمان نازیسم یک نیروی سیاسی مقتدر جهانی بود، نیروئی مورد ستایش سرمایه داری به خاطر مبارزه اش علیه طبقه کارگر و کمونیستها. فراموش نکنیم که در آلمان بخش قابل توجهی از بورژوازی سویدن با آلمان نازی همدردی و این که بخش بزرگی از اشراف سویدنی از در حمایت از نازیها برآمدند.

در پایان دهه های ۳۰ انجمن هیمدال (انجمن دانشجویان سرمایه دار!) در خیابانهای اوپسالا با درخواست بازگرداندن پناهندگان یهودی به آلمان راهپیمائی نمود. در سالون بزرگ دانشگاه شهر اوپسالا هزاران دانشجو به ابتکار انجمن هیمدال گرد هم آمدند.

در آنجا به منظور اخراج پناهندگان یهودی بیانیه ای به تصویب رسید. یک بیانیه علیه گروهی از پزشکان یهودی، تصویب شده در یکی از جلسات پرو فاشیستی در دانشگاه اوپسالا، منجر به رد درخواست اجازه اقامت پزشکان یهودی از جانب دولت سویدن شد. پزشکان به آلمان نازی فرستاده و در آنجا در اردوگاههای مرگ به قتل رسیدند.

سرپوش گذاردن بر روی جنایات آنان توسط سویدنیهای هوادار فاشیسم

در خلال جنگ جهانی دوم به دلیل احساسات پرو فاشیستی در میان طبقه بورژوازی سویدن، بر روی جنایات وحشتناک نازیها در اردوگاههای مرگ سرپوش گذاشته شد و مردم سویدن هرگز از آنها مطلع نشدند.

در سال ۱۹۴۲ در کلیسا و وزارت امور خارجه سویدن شناخت دقیقی از جنایات نازیها وجود داشت، در آنجا حزب مردم و حزب دست راستی - میانه روها بهترین ارتباط و بهترین کنترل را داشتند. طبقه سرمایه دار سویدن به علت همدردی با نازیها در مورد کشتار یهودیان سکوت اختیار نمود و افشاگریهای کمونیستها در مورد کشتار در اردوگاههای مرگ توسط سرمایه داران به عنوان «تبلیغات کمونیستی» مردود اعلام شدند. اینها مسائلی هستند که پر آمارک متعلق به حزب مردم از بر ملاء شدن آنها در هراس است.

منشاء ایدئولوژیک و سیاسی او حزبست که چشمان خود را بر روی جنایات و کشتار نازیها در اردوگاههای مرگ بست، کشتاری که در آنها یهودیان، کمونیستها، دگر اندیشان، کولیها، معلولان و بسیاری دیگر ترور شدند. در ضمن این لیبرالهای مغرور سویدنی، حتی، برای یکبار هم که شده انگشت اعتراض خود را علیه کشتار مردم اتحاد جماهیر شوروی، جایی که نازیها بیش از ۲۵ میلیون انسان را قتل عام نمودند، از میان آنها یک میلیون یهودی، بلند نکردند.

یادداشت ها:

- ۱ - یکی از سیاستمداران فاشیست- ضد کمونیست و عضو سابق حزب مردم سویدن.
- ۲ - شهری در جنوب سویدن
- ۳ - رهبر سابق حزب چپ و هوادار آشتی طبقاتی که به دلیل تقلبات مالیاتی از سمت رهبری حزب برکنار شد.
- ۴ - یکی از شهرهای مهم دانشگاهی نزدیک به استکلهم